

هدیه افشار

طهمورت ساجدی (دانشگاه تهران و مرکز پژوهشی زبان خارجی)

گزارش مردم‌گریز (ترجمه منظوم *Misanthrope* اثر مولیر، همراه با متن فرانسه)، منسوب به میرزا حبیب اصفهانی، به کوشش ایرج افشار، کتاب آمه، تهران ۱۳۸۸، ۱۸۸ صفحه متن فارسی + ۱۰۶ صفحه متن فرانسه.

در تاریخ ۲۵ ربیع‌الاول سال ۱۲۸۶، برابر با ۵ ژوئیه ۱۸۶۹، میرزا حبیب اصفهانی، ادیب و آزاداندیش ایرانی مقیم قسطنطنیه، از *Misanthrope* اثر مولیر، ترجمه‌ای منظوم به زبان فارسی با عنوان گزارش مردم‌گریز پدید آورد که در چاپخانه تصویرالافکار همان شهر چاپ و منتشر شد (ملک‌پور، ج ۱، ص ۳۱۸). اینکه گفته شده است این ترجمه ابتدا در روزنامه اختر، که از سال ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ به مدیریت محمد طاهر اختر در استانبول انتشار می‌یافت، چاپ شده است دور از ذهن می‌نماید (همان‌جا). تقریباً پنجاه و پنج سال بعد، ادوارد براون، در تاریخ ادبی ایران (۱۹۲۴)، از این ترجمه منظوم یاد و به تبدیل اسامی چهره‌های نمایشی آن به نام‌های ایرانی اشاره کرد. هنوز براون در قید حیات بود که جلد چهارم اثر براون به قلم غلامرضا رشید یاسمی به فارسی ترجمه شد؛ اما چاپ و نشر این ترجمه در سال ۱۳۱۶ ش انجام گرفت و خوانندگان فارسی‌زبان، از طریق آن، از وجود مترجمان ایرانی آثار نمایشی فرنگ آگاه شدند که میرزا حبیب از افراد برجسته آنان بود و، در شعر، «دستان» تخلص می‌کرد. (براون، ج ۴، ص ۳۲۷)

محمود هدایت ترجمه دیگری از این نمایشنامه مولیر پدید آورد که در سال

۱۳۳۸ ش به نفقه انتشارات امیرکبیر چاپ و منتشر شد. سرانجام، ترجمه منظوم منسوب به میرزا حبیب اصفهانی، به کوشش استاد ایرج افشار، به همراه متن فرانسه، دو یادداشت، شرح حال و آثار میرزا حبیب، و چهار پیوست در سال ۱۳۸۸ منتشر شد که هدیه پرارزشی به محققان در حوزه تاریخ ترجمه ادبی در دوران معاصر شمرده می شود. شاید مولیر اولین نمایشنامه نویس فرانسوی باشد که، در ایران، آثارش ترجمه و نمایشنامه هایش اجرا شده است. پیش از آن، از آثار مولیر، گمدی ژرژ داندن^۱، در سال ۱۸۴۷، در قسطنطنیه و در حضور سلطان عبدالمجید، با شرکت هنرپیشگان فرانسوی به زبان فرانسه نمایش داده شده بود. در همان سال چاپ ترجمه میرزا حبیب (۱۸۶۹) نیز، احمد و فیک پاشا، فرماندار شهر بورصه و مؤسس سالن تئاتری در آن شهر، چند کمدی از مولیر منجمله ازدواج اجباری^۲، طیب اجباری^۳، ژرژ داندن، سپس تارتوف^۴ را ترجمه و منتشر کرد. (ملک پور، ج ۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵)

در تئاتر شهر تفلیس، که به دلایل چندی ایرانیان به آنجا سفر می کردند و با بعضی از مظاهر تمدن مغرب زمین آشنا می شدند، در سال ۱۸۵۰، نمایش بورژوازی اصل زاده^۵، به روی صحنه آمد (همان، ج ۱، ص ۳۴۵). با این امر همچنین با موقعیت شغلی فراهم شده برای میرزا فتحعلی آخوندزاده موجباتی فراهم آمد تا وی نیز، متأثر از مولیر، نمایشنامه های متعددی پدید آورد. در سوریه، مارون نقاش ترجمه ای از خیسس^۶ مولیر به دست داد (همان، ج ۱، ص ۳۰۵؛ عبدالجلیل، ص ۲۹۷). در مصر، عثمان جلال، شاگرد رفاعه بی (۱۸۰۱-۱۸۷۳)، نویسنده معروف مصری و از بانیان نهضت زبان عربی جدید (دایرة المعارف فارسی ج ۱، ذیل رفاعه بی)، که خود همتای اعتماد السلطنه اما معمرتر بود، چندین اثر مولیر را به زبان محاوره ای مصر برگرداند. (گیب، ص ۱۳)

در قسطنطنیه، اطلاع از اوضاع ادبی جهان غرب همچنین ترجمه آثار ادبی آن چندان مشکل نبوده است. بعید نیست که میرزا حبیب، در ترجمه مردم گریز، از ترجمه با آب و رنگ ترکی و فیک پاشا الهام گرفته باشد. (ملک پور، ج ۱، ص ۳۲۰ و ۳۴۵)

مولیر در طهران اواخر قرن نوزدهم، زمانی که دارالفنون صاحب تماشاخانه به سبک

1) *George Dandin* 2) *Le Mariage forcé* 3) *Le médecin malgré lui*
 4) *Tartuffe* 5) *Le Bourgeois gentilhomme*
 6) *L'Avare*

رایج در فرهنگستان می‌شود، جداً مورد توجه قرار گرفته بود. اعتماد السلطنه، وابسته نظامی هیئت اعزامی به فرانسه در سال ۱۲۸۰ ق/ ۱۸۶۳، در یادداشت روزانه مورخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۰۳/ ۱۵ مارس ۱۸۸۶ دفتر ایام خود می‌نویسد:

چند شب است در مدرسه دارالفنون وزیر علوم [مخبرالدوله] گویا تماشاخانه باز کرده. بازیگرها فرنگی‌ها هستند که ابداً بازی نمی‌دانند و زبان نمی‌فهمند اما طوطی‌وار فارسی را یاد گرفته‌اند. از قراری که می‌گویند خیلی خنک است. (اعتماد السلطنه، ص ۴۱۷)

اما سعید نفیسی، که به رویدادهای دارالفنون توجه خاص داشت، می‌گوید:

تئاتر هم در ایران و در تهران مدت‌ها چندین رونق نداشت. ناصرالدین شاه در سفرهای فرهنگستان تئاتر دیده بود و در تهران به معلمین و شاگردان مدرسه دارالفنون دستور داده بود تئاتر بازی کنند. نخست نمایشنامه‌های مولیر را به همان زبان فرانسه بازی کرده بودند و متصدی این کار مسیو [ژول] ریشار^۷ فرانسوی، معلم فرانسه دارالفنون، بود که ایرانی شد ... میرزا علی‌اکبر خان نقاشباشی مزین‌الدوله، که در جوانی به فرانسه رفته و نقاشی را در آنجا آموخته و نقاش متوسطی بود و او هم معلم فرانسه دارالفنون و برخی از مدارس تهران بود و من نیز شاگرد او بوده‌ام، در این کار معاون او بوده است. (نفیسی، ص ۶۴۳)

آنچه در این نوشته جلب توجه می‌کند گزارش همکاری ریشار با مزین‌الدوله است که در جای دیگر نیامده است.

حسن مقدم، در سال ۱۳۰۰ ش / ۱۹۲۱، در همان تالار نمایش دارالفنون که ریشار و مزین‌الدوله از آن استفاده می‌کردند، طی سخنرانی خود، گزارش کرده است که «اولین پیس‌هایی هم که در آنجا بازی شده پیس‌هایی بود که خود ایشان [مزین‌الدوله] به ذوق و سلیقه شخصی از مولیر ترجمه کرد» (ملک‌پور، ج ۱، ص ۳۰۸). آراین‌پور، این گفته حسن مقدم را تکمیل کرده و نوشته است: «نقاشباشی از دانشجویان اعزامی به اروپا بود... و یکی از نمایش‌های مولیر به نام گزارش مردم‌گریز را به معرض نمایش درآورد» (همان‌جا). با این توصیف، اولین نمایشنامه اجرا شده در تالار دارالفنون گزارش مردم‌گریز بود اما رفیع حالتی می‌گوید مزین‌الدوله نمایشنامه عروسی اجباری را به نمایش درآورد (همان‌جا). سید علی نصر نیز همین را تکرار کرده است. براون، بی‌ذکر جزئیات، از اجرای نمایشنامه‌های طیب اجباری، تفرّ از مردم (*Misanthrope*) و خر (*Etourdi*، گنج) مولیر یاد می‌کند. (همان، ج ۱، ص ۳۰۹)

7) Jules Richard

مزین الدوله، مترجم مردم‌گریز و نمایشنامه‌های دیگری از مولیر، که سعید نفیسی ابتدا شاگردش بود و بعداً همکاریش شد، معاونت ریشار را در دارالفنون برعهده داشت و معلّم زبان فرانسه بود. وی به شیوه مکالمه فارسی - فرانسه^۸ ژان باتیست نیکلا^۹ (پاریس ۱۸۶۹)، فرهنگ فارسی - فرانسه (تهران ۱۳۰۴ ق) تألیف کرده بود (Nawabi 1971, t. 2, pp. 38, 42). چنین به نظر می‌رسد مقاله‌ای که شارل کلرمون گانوه^{۱۰}، مستشرق فرانسوی، با عنوان «میرزا علی اکبر خان، فرهنگ فارسی - فرانسه»^{۱۱}، در شماره ۴۰۳۶ مورخ ۱۸۸۴ روزنامه رسمی^{۱۲}، منتشر ساخته بود مربوط به همین میرزا علی اکبر خان مزین الدوله باشد، که فرهنگ خویش را مزین اللغه هم نام نهاده بود. (ملک‌پور، ج ۱، ص ۳۱۲)

چاپ ایرج افشار از مردم‌گریز، از مزایای چندی برخوردار است. متن فرانسه برگرفته از چاپ سال ۱۹۳۳ لاروس است که به کوشش فلیکس گیران^{۱۳} و به همراه یادداشت‌هایی در شرح حال مولیر، یادداشت‌های تاریخی و ادبی، توضیحات، قضاوت‌های اهل فن، و پرسش‌های تکالیف درسی، منتشر شده ضمناً، در آن، از مولیر و میزاتروپ^{۱۴} (۱۹۵۱) اثر ژنه یاسینسکی^{۱۵} یاد شده است. یادداشت اول افشار شرح تلاش او را برای یافتن نسخه‌ای از ترجمه مردم‌گریز میرزا حبیب در بر دارد. در یادداشت دوم او، مطالبی درباره میرزا حبیب و کتاب‌شناسی آثارش آمده و تکمیل آن در آینده وعده داده شده است. سرگذشت میرزا حبیب برگرفته از تحقیقات شخصی افشار قبلاً در مجله یغما، سال ۱۳ (۱۳۳۹)، ص ۴۹۱-۴۹۷ و ۱۶ (۱۳۴۲)، ص ۸۰-۸۲ منتشر شده بود و بعداً، به تدریج مطالبی نیز بر آن افزوده شد (گزارش مردم‌گریز، ص ۱۳). ظاهراً این تحقیقات سابقه‌ای قدیم‌تر داشته و هدف آن، در آن ایام، دعوت از سعید نفیسی برای موضع‌گیری درباره مترجم واقعی حاجی بابای موریه بوده است. نفیسی در این باره می‌نویسد:

در شماره بیستم جهان نو [سال ۳ (۱۳۲۷)، ص ۵۱۵-۵۱۶] آقای ایرج افشار مانند ابتکارهای پسندیده دیگر که ناشی از ذوق سرشار و دانش و بینش است بحث جدیدی گشوده است که مترجم حاجی بابا کیست؟ و جایی هم نامی از من برده و خواسته است من آگاهی خویش را برای خوانندگان مجله بنویسم. (نفیسی ۲، ص ۲۰۹)

- 8) *Dialogues persans-français* 9) JEAN-BAPTISTE NICOLAS 10) CHARLES CLERMONT-GANNEAU
11) "Mirza Ali Akbar Khan, Dialogues persans-français" 12) *Journal officiel*
13) Félix Guirand 14) *Molière et Misanthrope* 15) René Jasinski

افشار، در مقاله «مترجم حاجی بابا کیست؟»، مندرج در همان مجله، توانسته بود به روشنی ثابت کند که مترجم این کتاب میرزا حبیب است (گزارش مردم‌گزین، ص ۱۷) و راهنمای او در این تحقیق جانانه، که حکایت از مرجع‌شناسی او دارد، سفرنامه حاجی پیرزاده بود که بعدها، در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۳ به کوشش حافظ فرمانفرمایان انتشار یافت (همان، ص ۳۲). در آن سال‌ها و پس از تحقیقات مجتبی مینوی، تحقیقات ایرج افشار بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات درباره میرزا حبیب را شامل بود.

یکی از اقدامات بی‌بدیل میرزا حبیب آزاده‌فکر، ترجمه غرائب عوائد ملل، اثر رفاعه بی از عربی به فارسی و چاپ آن در روزنامه اختر (شماره ۴۵، سال ۱۳۰۳ ق) بود. هدف او ترغیب ایرانیان بود به آشنایی با اصول تمدن جدید از زبان مسلمانی فرنگ‌دیده. این ترجمه دارای عنوان دیگری به فرانسه است که برگردان آن به فارسی می‌تواند نگاهی تاریخی به خلقیات آداب و رسوم ملل^{۱۶} باشد (گزارش مردم‌گزین، ص ۲۲). رفاعه بی، که در پاریس تحصیل کرده بود، شرح سفر خود به فرانسه را در تخلص الابریز فی تخلص باریز (بولاق ۱۲۵۰ ق/۱۸۳۳) منتشر کرد (ZENKER 1861, t. 2, p. 68) و این سفرنامه، بلافاصله پس از انتشار، با اقبال خاورشناسان روبه رو شد. (JULIEN, p. 68)

یکی از مقالاتی که میرزا حبیب تألیف و در همان ترجمه اثر رفاعه بی منتشر کرد (ملک‌پور، ج ۱، ص ۱۰۸)، در بازی تماشا و تماشاخانه رومیان نام دارد که، به زعم اهل فن، اولین سند درباره نمایش ایران و تاریخ نمایش جهان به زبان فارسی است (گزارش مردم‌گزین، ص ۱۸۳). این مقاله میرزا حبیب در پیوست سوم گزارش مردم‌گزین (ص ۱۸۳-۱۸۸) آمده است. پیوست اول مقاله مبسوطی است به قلم مریم سنجابی با عنوان «درباره نمایشنامه مردم‌گزین» شامل بحث دقیقی درباره میرزا حبیب و ترجمه‌های او و نمایشنامه مردم‌گزین. (ص ۱۵۸)

پیوست دوم خواننده را به هشتمین کنگره خاورشناسی (استکهلم و کریستیانا، سپتامبر ۱۸۸۹) می‌برد که گزارش‌های آن در چهار جلد (لیدن ۱۸۹۱-۱۸۹۲) منتشر شده است. از چند تن شرقی، از جمله میرزا حبیب، دعوت شده بود تا در آن شرکت کنند. وی نیز، در دفتر یادگار مورخ ۷ سپتامبر این مجمع، شعری فارسی سروده خود درج کرده که

16) *Aperçu historique sur les mœurs et les coutumes des nations.*

افشار ذوق به خرج داده و آن را با ترجمه فرانسسه آن آورده (ص ۱۷۷-۱۸۱) و نشان داده است که نویسنده اولین سند نمایشی در ایران اولین ایرانی شرکت‌کننده در کنگره خاورشناسی نیز بوده است. توجه سوئدی‌ها به شخصیت‌های علمی و ادبی شرق شامل حال مصری‌ها نیز شده و شیخ حمزه فتح‌الله، از نمایندگان عمده ادبیات جدید مصر در اواخر قرن نوزدهم، به همراه وزیر معارف این کشور، عبدالله پاشای فکری (رئیس هیئت اعزامی مصر)، در کنگره مذکور شرکت داشتند (گیب، ص ۱۹). پیوست چهارم، متن فرانسه مردم‌گزین است که با نفاست به چاپ رسیده است.

ایرج افشار از «آزارهای ناشر قبلی» (ص ۱۲) به شکوه پرداخته که باید گفت شرح درد بسیاری از مؤلفان و مترجمان است.

منابع

- اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به تصحیح ایرج افشار، امیرکبیر، ج ۴، تهران ۱۳۷۷.
براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ج ۴، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، انتشارات بنیاد کتاب، تهران ۱۳۶۶.
دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ج ۱، جیبی - امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰.
عبدالجلیل، ج. م.، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آ. آذرنوش، امیرکبیر، ج ۴، تهران ۱۳۷۳.
گیب، هامیلتون، ادبیات نوین عرب، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۶.
ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی ایران، ج ۱، انتشارات توس، تهران ۱۳۶۳.
نفیسی، سعید (۱)، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، به کوشش علیرضا اعتصام، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۱.
— (۲)، مقالات سعید نفیسی در زمینه زبان و ادب فارسی، به کوشش محمد رسول دریاگشت، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۸۶.

JULIEN, Charles-André (1925), *Un médecin romantique interprète et professeur d'arabe*, Eusèbe de Salles, Alger.

NAWABI, Y. M. (1971), *A Bibliography of Iran*, t. 2, Tehran.

ZENKER, Jules Theodor (1861), *Bibliotheca Orientalis, Manuel de Bibliographie Orientale*, t. 2, Leipzig.

